

بازی‌های زبانی:

در گفتمان‌های هسته‌ای گروه ۵+۱ با ایران

نوشته
داود دعاگویان*

۴:

ملی این مقاله بازنمایی سلطه غرب در مذاکرات هسته‌ای با ایران است. تحلیل انتقادی گفتمان ای شورای امنیت، بسته‌های تشویقی و مذاکرات هسته‌ای آشکار می‌سازد که غرب به دنبال استفاده بازی‌های زبانی در مذاکرات هسته‌ای برای منزوی ساختن ایران در صحنه بین‌المللی و وادار کردن تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بازیگران سیاسی غرب با از قاعده بازی "برد، برد" تلاش می‌کنند که سلطه خود را بر ایران در مذاکرات هسته‌ای افزایش

ا: گفتمان هسته‌ای، مذاکره هسته‌ای، بازی‌های زبانی، گروه ۵+۱، قطعنامه‌های شورای امنیت، تشویق کننده.

ت هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ چندسالی است که خبر اصلی رسانه‌های داخلی و است. تعبیرها و ایده‌های متفاوتی که در خصوص این مذاکرات وجود دارد، موجب است که شاهد بسیاری از فرازونشیب‌ها در این مذاکرات باشیم. تصویب قطعنامه‌های

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

شورای امنیت سازمان ملل که محرومیت‌ها و محدودیت‌های آشکار و پنهان اقتصادی چیزی را برای ایران به وجود آورده است و نیز بسته‌های تشویقی گروه ۵+۱ که ایران را به تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای تشویق می‌کند، نویسنده را به این فکر واداشته است که آیا گروه ۵+۱ در صدد رفع این مسئله به صورت مسالمت‌آمیز است و یا اینکه در صدد "بهره‌گیری از بازی‌های زبانی رسانه‌ای" و استفاده پنهان از هژمونی به منظور فشار بر ایران در تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای می‌باشد؟

از این رو با بررسی گفتمان رسانه‌ای گروه ۵+۱ در قالب نظریه‌های مربوط به "تئوری بازی‌ها" و "بازی‌های زبانی" درصدد آزمون این فرضیه هستیم که: «اساساً گفتمان هسته‌ای غرب با ایران "استفاده از بازی‌های زبانی" برای وادار کردن ایران به تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای است و استفاده از دیپلماسی بسته‌های تشویقی در همین راستا طراحی شده است.»

۱. ادبیات تحقیق

به اعتقاد ویتگنشتاین بازی‌های زبانی، بازی‌های ارتباطی هستند و ارتباط کلامی به منزله پاسخ مناسب بازیکنان به حرکت‌های یکدیگر برحسب قواعد بازی است. (هریس، ۱۳۸۱: ۱۶۸) از نظر ویتگنشتاین قواعدبازی بر وجود "توافق در تعاریف" و "توافق در حکم" به‌عنوان اولین توافق‌ها اشاره می‌کند که طرفین بازی باید به آن پایبند باشند (همان: ۱۸۰). ویتگنشتاین با طرح مثالی از ارتباط کلامی "بنا و کارگرش" بیان می‌کند که به‌رغم تعاملات گسترده این دو، به دلیل نبود توافق در قواعد فوق‌الذکر، آن‌ها اصولاً مشغول بازی یکسانی نبوده و بازی‌های زبانی آن‌ها (بنا و کارگر) متضمن چیزی بیشتر از ارتباط کلامی است که او آن را موفقیت یکی بر دیگری (یعنی بازی برد بنا و باخت کارگر) و نبود تفهیم مفاهیم و توافق متقابل با ارتباط کلامی بین‌شان می‌داند (همان: ۲۰۵). به عبارت دیگر به اعتقاد ویتگنشتاین، اگرچه به ظاهر ارتباط کلامی بنا و کارگر تبادل اطلاعات است، ولی در بردارنده نوعی بازی کلامی برای توفیق یکی بر دیگری است.

توماس شلینگ با طرح نظریه‌بازی‌ها به مطالعه رفتار راهبردی بین عوامل "عقلانی" می‌پردازد. رفتار راهبردی زمانی بروز می‌کند که مطلوبیت هر عامل نه فقط به راهبرد انتخاب شده وی، بلکه به راهبرد انتخاب شده بازیگران دیگر هم بستگی داشته باشد. زندگی روزمره ما مثال‌های بی‌شمار از چنین وضعیت‌هایی را در بردارد که از جمله آن‌ها می‌توان به مذاکرات تجاری و سیاسی بین دو کشور، جنگ تبلیغاتی بین دو شرکت رقیب، رأی دادن دو سهام‌دار، بازی زبانی استاد و دانشجو برای تعیین کیفیت درس، بازی دولت و شهروندان برای اعلام و پذیرش سیاست‌ها، اشاره کرد (Schelling, 2006: 213).

نظریه بازی‌ها به دو شیوه اصلی بازی‌های تعاونی و بازی‌های رقابتی تقسیم می‌شود. فرض رویکرد اول این است که بازیگران منافع ناشی از پیوستن به ائتلاف‌های مختلف را بررسی

می‌کنند و مکانیسمی برای اعمال تعهد بازیگران در پیوستن به این ائتلاف‌ها وجود دارد، در حالی که رویکرد دوم، فرض وجود مکانیسم اجبار به حفظ تعهد برداشته شده است و بازیگران در صورتی راهبرد را انتخاب می‌کنند که تخطی از آن برایشان مناسب نباشد و لذا ائتلاف‌ها و تعهدها باید به خودی خود قابل اعمال باشد. در ادبیات امروز نظریه بازی‌ها رویکرد دوم کاملاً غالب است.

یک بازی را با مجموعه‌ای از عناصر پایه‌ای می‌توان معرفی کرد. بازی شبیه درختی از ترکیب حرکت‌های مختلف بازیگران است که مطلوبیت ناشی از هر پیامد در آن برای هر بازیگر مشخص شده است. برای تعریف فضای بازی مشخص کردن عناصر زیر لازم است:

1. **بازیگران.** طرف‌های بازی که هر کدام دست‌کم دو راهبرد در اختیار دارند. معمولاً تعداد بازیگران در مدل سازی بازی‌های معمول محدود (غیربی نهایت) فرض می‌شود.
2. **راهبرد در اختیار هر بازیگر.** زنجیره‌ای مرتب از اقداماتی است که بازیگر می‌تواند در قدم‌های مختلف بازی برگزیند (با تعریف دقیق‌تر هر راهبرد تابعی است از فضای حالت بازی به مجموعه اقدامات در اختیار هر بازیگر). راهبرد می‌تواند گسسته یا پیوسته باشد که در حالت دوم با بازی‌هایی با فضای راهبردی بی‌نهایت مواجه‌ایم.
3. **ترتیب بازی.** اینکه در هر قدمی از بازی چه بازیگری حرکت می‌کند.
4. **ساختار اطلاعاتی.** در هر لحظه از بازی هر بازیگری قادر است چه اطلاعاتی را از حرکت‌ها و ترجیحات طرف مقابلش بداند.

5. **خروجی‌های بازی.** وقتی بازی به انتها می‌رسد چه نتایجی به دست می‌آید. با دانستن این پنج عنصر می‌توان از هر بازی توصیف کاملی به دست داد که متناسب با نوع بازی یکی از دو نمایش راهبردی (ماتریسی) و گسترده (درختی) انتخاب می‌شود. (Ibid, 2006, 223).

مفهوم محوری نظریه بازی‌ها بر وجود دو عنصر "تضاد" و "همسویی" منافع به‌طور همزمان در یک بازی تأکید می‌کند. در دنیای واقعی، هر چند که معمولاً دو طرف بازی رقیب هم به‌شمار می‌آیند (مثلاً دو کشوری که بر سر یک پیمان مذاکره می‌کنند)، ولی از طرف دیگر این دو طرف منافع مشترکی نیز از دست یافتن به تفاهم (و یا تحمل هزینه زیاد و برابر در اثر دست‌نیافتن به تفاهم) دارند. در مثال مذاکرات تجاری هر دو کشور علاقه‌مند هستند تا یک قرارداد نهایی امضا شود و از مزایای تجاری آن بهره‌مند شوند. چنین نگاهی به مسئله افق جدیدی را در حل بازی به‌وجود می‌آورد. اولاً، بازی در این شرایط یک بازی با جمع ثابت (و صفر) نیست بلکه بازی‌ای است که متناسب با رفتار طرفین می‌تواند منافع مثبت برای هر دو طرف داشته باشد. ثانیاً بازیگران می‌دانند که برای رسیدن به نقطه مطلوب باید انگیزه‌های طرف مقابل را خود بشناسند و او را برای رسیدن به این نقطه یاری کنند.

این مفهوم را می‌توان به نحو جالبی در تحلیل منازعات بین‌الملل به کار گرفت. در منازعات بین‌المللی نوعی بازی متصور است که تخطی از آن برای دوطرف سودی نخواهد داشت.

بازی	طرف اول	طرف دوم
هر دو موفق	برد	برد
اولی موفق	برد	باخت
دومی موفق	باخت	برد
هر دو ناموفق	باخت	باخت

مسئلهٔ تهدید به استفاده از یک راهبرد مشخص در صورت انتخاب راهبرد خاصی توسط طرف مقابل، از قدیم در ادبیات نظامی و روابط بین‌الملل شناخته شده است و گاه از آن به شیوه بازدارندگی یاد می‌شود. این لغت در ادبیات حقوقی به‌کار می‌رود و منظور از آن محاسبهٔ هزینه‌هایی است که مجرمین را تهدید می‌کند که در صورت ارتکاب جرمی خاص با آن مواجه خواهند شد. به این ترتیب جامعه سعی می‌کند تا با تهدید مجرمین بالقوه به اتخاذ راهبرد تنبیه آن را از همان قدم اول از ارتکاب جرم باز دارد.

شلینگ با معرفی مفهوم تهدید معتبر و غیرمعتبر درک این ماجرا را بسیار تعمیق بخشید. عبارت تهدید غیرمعتبر به این حقیقت اشاره می‌کند که حتی اگر یکی از بازیگران طرف مقابل را به استفاده از یک راهبرد خاص تهدید کرده باشد، ولی اگر شرایط او را مجبور تهدید خود را عملی کند خود او اجرای تهدید را عقلانی نخواهد یافت. مثال‌هایش در زندگی روزمره فراوان است. مدیری را تصور کنید که کارمند بی‌انضباط ولی با تخصص بالای خود را تهدید کرده است که اگر یک بار دیگر دیر سر کار حاضر شود او را اخراج می‌کند. او در واقع قصد دارد تا با آشکار کردن این تهدید کارمند را در شرایطی قرار دهد که تأخیر برای او غیرعقلانی شود. از طرف دیگر کارمند شرایط را برای خودش شبیه‌سازی می‌کند و فرض می‌کند که فردا دیر سر کار حاضر شده است. مدیر در اینجا باید تهدید خود را عملی کند ولی اگر این کار را بکند و این نیروی خوب را از دست بدهد باید هزینه فراوانی برای یافتن نیروی جدید متحمل شود و لذا اخراج کارمند در آن لحظه "غیرعقلانی" است. به همین دلیل مدیر از اجرای تهدید قبلی خود خودداری می‌کند. کارمندی که این موضوع را می‌داند تهدید مدیر را جدی نمی‌گیرد و به دیر آمدن خود ادامه می‌دهد (در ادبیات خارج از نظریهٔ بازی‌ها گاهی به این موضوع "قربانی عقلانیت خود شدن" هم گفته می‌شود و منظور آن است که چون تهدیدکننده عقلانی است تهدیدشونده می‌داند که تهدید وی عملی نمی‌خواهد شد). تهدیدهایی که معتبر نیستند در واقع ارزشی هم برای اعلام کردن ندارند چون طرف مقابل آن را جدی نمی‌گیرد و لذا تأثیری در تغییر نتیجهٔ بازی ندارند.

امروزه از تئوری بازی‌ها در مناسبات بین‌المللی و مذاکرات استفاده گسترده‌ای می‌شود. و می‌توان از این تئوری در گفتمان رسانه‌ای غرب با ایران در مذاکرات هسته‌ای سود جست که غرب تلاش می‌کند با استفاده از این بازی باخت مذاکرات را به نفع خود تمام کند، لیکن باید توجه داشت در صورت باخت ایران ضررهای اقتصادی و سیاسی زیادی متوجه غرب خواهد شد و بسته‌های تشویقی غرب گویای درک غرب از این وضعیت است.

فرانسوا لیوتار حقیقت و معنا را محصول فرعی اضمحلال تدریجی سلطه علم بر کل عرصه معرفت (مشروع) می‌داند و این وضعیت را محصول فروپاشی و تجزیه تدریجی علم ناشی از افزایش گفتمان‌های جداگانه می‌داند که پیوندهای صوری با یکدیگر دارند. و ادعای اقتدار هر یک از گفتمان‌ها فقط به میزانی است که خودشان قادر به تأمین آن هستند. به گفته لیوتار «امر اجتماعی به صورت شبکه‌های انعطاف‌پذیری از بازی‌های زبانی به کوچک‌ترین ذره‌های خود تجزیه شده است.» هرچند ارتباطات روز به روز رواج و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، اما این موضوع هم یک واقعیت است و هم یک مسئله. نقش زبان در ارتباطات و سیال بودن بازی‌های زبانی، اقتدار علم را از بین برده است و با از دست رفتن وحدت گفتمانی مبتنی بر فهم متعارف، گفتمان‌های علمی به بازی‌های زبانی تنزل یافته است (باومن، ۹۵: ۱۳۸۴).

به گمان لیوتار «هدف هر کنش، رسیدن به مقصودی است و توفیق کنشگر در هر کنش گفتاری، ترغیب مخاطب در انجام کاری است که مورد نظر او است» (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۷).

لیوتار دستیابی به اجماع کلی را از طریق گفتمان غیرممکن می‌داند. او در این خصوص دو فرضیه مطرح می‌کند: فرض اول اینکه برای همه گویندگان در گفتمان به دلیل بهره‌گیری از بازی‌های زبانی مختلف امکان اجماع وجود ندارد و فرض دوم اینکه اگرچه هدف گفت‌وگو اجماع است، اما در یک گفتمان قدرت اجماع غایت بحث نیست بلکه صرفاً حالتی خاص از آن است. برعکس غایت آن مغالطه است و ملاحظات مربوط به استفاده از قواعد بازی در همه بازی‌های زبانی و گفتمان‌ها را ویران می‌سازد (کهن، ۱۳۸۲: ۵۲۴).

به‌طور کلی از نظر لیوتار ناهمگنی بازی‌های زبانی جایی را برای توافق دو طرف مورد نظر هابرماس باقی نمی‌گذارد و بازی‌های زبانی، بازی‌هایی «با حاصل جمع غیرصفر» اند (همان: ۵۲۵) و او طرح این اندیشه را مرهون ویتگنشتاین و تئوری بازی‌ها می‌داند.

۲. پیشینه موضوع

گفتمان‌ها و مذاکرات هسته‌ای ایران با نهادهای بین‌المللی هسته‌ای را می‌توان در سه مقطع تاریخی دسته‌بندی کرد:

۱. مقطع اول. گفتمان دبیرکل شورای امنیت ملی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA).

۲. **مقطع دوم.** گفت‌وگو دبیرکل شورای امنیت ملی ایران با نمایندهٔ شورا حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA).

۳. **مقطع سوم.** گفت‌وگو دبیرکل شورای امنیت ملی ایران با مسئول سیاست خارجی اتحادیهٔ اروپا به عنوان نماینده گروه ۵+۱.

با توجه به دوره‌های فوق، ویژگی گفت‌وگو گفت‌وگو اول مبتنی بر شفاف‌سازی فعالیت‌ها، ویژگی گفت‌وگو دوم مبتنی بر اعتمادسازی و ویژگی گفت‌وگو سوم مبتنی بر طرح مشوق‌ها از سوی گروه ۵+۱ برای ایران بوده است. با وجود این، نقطهٔ اشتراک تمام گفت‌وگوهای غرب با جمهوری اسلامی ایران، مطرح کردن پیش شرط تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران قبل از گفت‌وگوها بوده است. ایران در تمام گفت‌وگوها ضمن نپذیرفتن هیچ‌گونه پیش‌شرطی در مذاکرات هسته‌ای خود، به ویژه تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای، دو اصل مسلم در برنامه‌های هسته‌ای خود را مدنظر قرار داده است که عبارت‌اند از:

الف. فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز زیر نظر آژانس.

ب. استفاده از انرژی هسته‌ای حق مسلم ایران است.

با وجود این، ایران داوطلبانه و آزادانه برای اعتمادسازی افکار بین‌المللی وارد مذاکرات هسته‌ای با آژانس (IAEA) و گروه ۵+۱ شده است. پس از فراز و نشیب‌های زیاد، که در چهار سال مذاکرات دوجانبه صورت گرفت، غرب با اتخاذ دیپلماسی بسته‌های تشویقی برای ایران به جای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، که تحریم‌هایی علیه ایران در نظر گرفته بود، وارد مرحلهٔ تازهٔ مذاکرات با ایران شد.

در بستهٔ پیشنهادی غرب مشوق‌ها هنگامی به اجرا در می‌آید که ایران کلیهٔ فعالیت‌های هسته‌ای خود را به تعلیق در آورد. در بستهٔ پیشنهادی گروه ۵+۱ که سولانا آن را آمادهٔ تحویل ایران کرد آمده است:

به‌منظور دستیابی به راه‌حلی جامع، درازمدت و مناسب برای مسئله هسته‌ای ایران، که با قطعنامه‌های مربوط سازمان ملل متحد سازگار باشد، در تکمیل پیشنهاد ارائه شده به ایران در ژوئن ۲۰۰۶ (تیرماه ۸۵)، که هنوز به قوت خود باقی است، موارد زیر به عنوان سرفصل‌های مذاکره مابین کشورهای ۱+۵ به همراه نمایندهٔ اتحادیه اروپا، پیشنهاد می‌شود ایران به شکل تصدیق‌پذیر، تمامی فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری خود را ذیل OP15 و OP19 قطعنامهٔ ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل به حالت تعلیق درآورد. در راستای این مذاکره همچنین از ایران انتظار داریم که درخواست‌های شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اجابت کند.

در مقابل چین، فرانسه، روسیه، آمریکا، انگلستان و آلمان و نماینده اتحادیهٔ اروپا اعلام

می‌کنند:

۱. حق ایران را برای توسعه و کاربرد انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را به رسمیت بشناسند.

۲. به محض اطمینان از فعالیت کاملاً صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، با آن همان رفتاری را داشته باشند که با برنامه هر کشور فاقد سلاح هسته‌ای در چارچوب NPT دارند.

لیکن مفاد پادمان‌ها و گفتمان‌های غرب با ایران و قطعنامه‌هایی که علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب رسید گویای «بهره‌گیری غرب از بازی‌های زبانی مبتنی بر گفتمان قدرت با ایران و پیگیری قاعده بازی برد و باخت در راستای سلطه بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران است و با القای قدرت خود خواهان فشار بر ایران در تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای است.» اما به ظاهر خواهان مذاکرات منطقی با ایران است.

۳. بازنمایی ایدئولوژی قدرت در بازی‌های زبانی هسته‌ای غرب (۱+۵) با ایران

از نظر فرکلاف ایدئولوژی‌ها، که همیشه منافع و اهداف گروه‌ها و سازمان‌ها و یا حتی دولت‌ها را در سطح وسیع و گسترده جامعه، باز تولید می‌کنند، غالباً ماهیت خود را در لابه‌لای گزاره‌های کلی و ظاهراً طبیعی شده پنهان می‌کنند. و نیز از نظر ون دایک «در دنیای جدید قدرت بیشتر از لحاظ شناختی اهمیت دارد» زیرا افراد و گروه‌ها با پنهان‌کاری، دورویی و فریب، به تغییر اذهان دیگران مطابق با سلیقه و علاقه خودشان مبادرت می‌کنند.

لیوتار نیز برتری و سلطه را ناشی از غلبه یک بازی زبانی بر بازی زبانی دیگر می‌داند. زبان یک کنش سمبلیک و در عین حال مشترک میان انسان‌ها است که شامل اعمالی از قبیل سخن گفتن، نصیحت کردن، تشویق کردن، امر و نهی کردن، قصه و حکایت گفتن، خطاب و وعظ و حماسه‌سرایی، قول و وعده دادن و بسیاری اعمال روزمره دیگر آدمیان می‌شود. هر زمان که یک بازی زبانی بر بازی زبانی دیگر غلبه پیدا می‌کند، شاهد بی‌عدالتی و ظلم و ستمی خواهیم بود که از این غلبه‌یافتگی بروز پیدا می‌کند. لیوتار از این تحلیل نتیجه می‌گیرد که برای رفع ظلم و ستم و بی‌عدالتی باید میان بازی‌های زبانی جدایی و افتراق مادام برقرار باشد. جدایی و ناسازگاری میان پاره‌گفتارها مانع از تسلط و برتری یکی بر دیگری می‌شود و باید برای حفظ این وضعیت تلاش ادامه پیدا کند. لیوتار عمده این تلاش را برگردان هنرمندان می‌گذارد، هنرمندان پست‌مدرن. لیوتار برای تبیین این تلاش به سراغ مفهوم امر والای کانت می‌رود.

یکی از مهم‌ترین و پر کاربردترین کارکردهای گفتمان قدرت در بازی‌های زبانی، بهره‌گیری از «دلالت‌های ضمنی» در مفاهیم به کار گرفته در مذاکرات است که غرب و گروه ۵+۱ از این جنبه زبان‌شناختی در مذاکرات خود با ایران برای القای اهداف خود و سلطه بر ایران بهره جسته است. به عبارت دیگر مفاهیم ضمنی به کار گرفته شده در مذاکرات و بسته تشویقی غرب به ایران در بردارنده اصل «ایدئولوژی پنهان غرب» در سلطه بر دیگر کشورها و همگامی کلیه

برنامه‌های اقتصادی و سیاسی کشورها با منافع کشورهای غربی است و در صورت انحراف نیز با تهدید و تحریم روبه‌رو خواهند شد و به‌وضوح می‌توان برخورد غرب با برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را در این راستا تجزیه و تحلیل کرد.

بنابراین غرب با به‌کارگیری مفاهیم زیر تلاش می‌کند که به صورت پنهان گفتمان قدرت خود را با ایران در قالب بازی‌های زبانی و تئوری بازی‌ها در یک حالت “برد برای غرب و باخت برای ایران را” در پیش گیرد. این مفاهیم عبارت‌اند از:

۱. شفاف‌سازی (از سوی ایران).
۲. اعتمادسازی (از سوی ایران).
۳. تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای (از سوی ایران).
۴. پاسخ به برخی ابهامات (از سوی ایران).
۵. پاسخ زمان‌بندی شده به بسته پیشنهادی (از سوی ایران).
۶. تعلیق در برابر تعلیق (از سوی ایران).
۷. اولویت راهکارهای دیپلماتیک بر راهکارهای تحریم و تهدید.
۸. فقدان جدیت ایران در مذاکرات و اتلاف دقت در مقابل جدیت مذاکرات غرب.
۹. عدم اتخاذ تصمیم درست از سوی ایران.

۴. روش تحقیق و پایگاه داده‌ها

روش تحقیق این بررسی “روش تحلیل انتقادی گفتمان” در سطح “تبیین بازنمایی بازی‌های زبانی” در گفتمان (قدرت) گروه ۱+۵ در مذاکرات هسته‌ای با ایران است. زیرا بر مبنای تئوری بازی شلینگ و بازی‌های زبانی ویتگنشتاین و لیوتار می‌توان گفت که غرب تلاش می‌کند گفتمان قدرت خود را به صورت دلالت‌های ضمنی و استفاده از برخی مفاهیم در قالب بازی‌های زبانی، هژمونی خود را بر ایران اسلامی تحمیل کند و این هژمونی را می‌توان در مذاکرات و قطعنامه‌ها و بسته‌های به‌ظاهر تشویقی پیشنهادی به وضوح مشاهده کرد.

این مقاله به دنبال آزمون این فرضیه است «غرب در مذاکرات خود با ایران به دنبال بازی برد (برای خود) و باخت (برای ایران) است و این هژمونی را با استفاده از بازی دلالت‌های ضمنی در گفتمان قدرت خود مشروع جلوه می‌دهد».

داده‌های مورد بررسی در این مقاله برخی پایگاه‌های اینترنتی داخلی و روزنامه‌های داخلی همچون *کیهان*، *ایران*، *همشهری* و... است که اخبار مربوط به و مذاکرات و محتوای قطعنامه‌ها شورای امنیت و بسته‌های تشویقی را در طی مدت دو سال از تاریخ ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ را منعکس کرده‌اند.

۵. سطح تحلیل گفتمان

در این تحقیق سطح تحلیل گفتمان، سطح تبیین است. و هدف از تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

در این تحقیق منظور از ساختارهای اجتماعی، تعاملات ایران با گروه ۵+۱ در مذاکرات هسته‌ای است. تعاملاتی که گفتمان قدرت را در قالب بازی‌های زبانی در مذاکرات منعکس می‌کند.

۶. واحد تحلیل

واحد تحلیل در این بررسی جمله، عبارات، متن کامل مذاکرات، قطعنامه‌ها و بسته تشویقی پیشنهادی گروه ۵+۱ است. ضمن آنکه واژگان مربوط به دلالت‌های ضمنی به‌عنوان واژگان کانونی در بازی‌های زبانی در متن مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

۷. بررسی گفتمان‌ها

در این تحقیق به چند دسته از گفتمان‌ها اشاره می‌شود که عبارت‌اند از:

- گفتمان در قطعنامه‌های (۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳) شورای امنیت سازمان ملل
- گفتمان در بسته‌های پیشنهادی (مشوق‌ها)
- گفتمان در اخبار رسانه‌ای و سایت‌ها.

۸. تبیین

پس از طرح مسئله و انتخاب روش تحلیل گفتمان انتقادی (تگفا) برای بررسی و تبیین ابعاد گفتمان رسانه‌ای غرب و ایران در موضوع فعالیت‌های هسته‌ای درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که آیا غرب به دنبال بهره‌گیری از بازی‌های زبانی در جهت سلطه بر ایران و وادار کردن ایران به تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای است؟

ابتدا باید به روند مذاکرات غرب و صدور قطعنامه‌های ضدایرانی در شورای امنیت سازمان ملل متحد اشاره نمود و سپس به تبیین بازی‌های زبانی غرب در گفتمان با ایران پرداخت.

الف. همان‌طوری که اشاره شد در ابتدا شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) با صدور قطعنامه‌های متعدد در آژانس، ایران را به شفاف‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای و سپس به اعتماد سازی افکار عمومی جهان از طریق مذاکرات هسته‌ای وادار کردند و خواستار تعلیق کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به‌عنوان پیش‌شرط هرگونه مذاکره بودند. در این مرحله گفتمان هسته‌ای غرب با ایران گفتمان سلطه و زور بوده است و در پی همین منظور قطعنامه‌هایی را در شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رساندند که برخی محرومیت‌های اقتصادی را برای ایران

در پی داشته است. آمریکا و متحدانش قصد دارند، با اتخاذ دیپلماسی گام‌به‌گام و صدور قطعنامه‌های زنجیره‌ای (۱۶۹۶، ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ و ...)، براساس بند ۴۱ منشور ملل متحد، جمهوری اسلامی ایران را در تداوم فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای خود منزوی سازند. در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت آمده است:

با نگرانی نسبت به خطرات اشاعه ناشی از برنامه هسته‌ای ایران، در این چارچوب، با قصور مستمر ایران در برآوردن درخواست‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پایبندی به مفاد قطعنامه ۱۶۹۶ (۲۰۰۶) شورای امنیت، و با توجه به مسئولیت اولیه شورا طبق منشور ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛

با اقدام ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد:

۱. تأکید می‌کند ایران باید بدون تأخیر بیشتر، اقدامات مقرر شده در قطعنامه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اتخاذ نماید، اقداماتی که برای ایجاد اعتماد نسبت به مقاصد - صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود و برای حل و فصل مسائل باقیمانده ضروری هستند.
۲. در این چارچوب تصمیم می‌گیرد که ایران می‌بایست بدون تأخیر بیشتر، تمامی فعالیت‌های هسته‌ای حساس از نظر اشاعه زیر را تعلیق نماید:
 - الف. تمامی فعالیت‌های بازفرآوری و مرتبط با غنی‌سازی از جمله تحقیق و توسعه، به‌گونه‌ای که توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مورد راستی‌آزمایی قرار گیرد؛ و
 - ب. کار کردن بر روی تمامی پروژه‌های مرتبط با آب سنگین، از جمله ساخت رآکتور تحقیقاتی که با آب سنگین کار می‌کند، به‌گونه‌ای که توسط آژانس مورد راستی‌آزمایی قرار گیرد.
 ۳. تصمیم می‌گیرد که کلیه کشورها می‌باید اقدامات لازم به منظور ممانعت از عرضه، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم از سرزمینشان یا به‌وسیله اتباعشان، یا با استفاده از کشتی‌ها و هواپیماهای تحت پرچمشان و یا استفاده و به‌کارگیری در راستای منافع ایران - اعم از اینکه منشأ آن در قلمروشان بوده یا نباشد - نسبت به کلیه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری که می‌تواند به فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، بازفرآوری یا آب سنگین ایران، یا به توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای کمک نماید، از جمله موارد زیر، را به مورد اجرا گذارند:
 ۶. تصمیم می‌گیرد کلیه کشورها باید اقدامات مورد نیاز به منظور جلوگیری از فراهم آوردن هرگونه مشارکت فنی یا آموزشی، کمک مالی، سرمایه‌گذاری، و واسطه‌گری یا سایر خدمات و انتقال منابع مالی یا خدمات مرتبط با عرضه، فروش، انتقال، تولید یا استفاده از اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری ممنوعه تعیین شده در بند ۳ و ۴ فوق را به مورد اجرا گذارند. »
 ۷. تصمیم می‌گیرد که ایران نباید هیچ‌یک از اقلام مصرحه در سند ۲۰۰۶/۸۱۴ و ۲۰۰۶/۸۱۵ را صادر نماید و تمامی کشورهای عضو باید تهیه این اقلام از ایران به وسیله اتباعشان، و یا با استفاده از کشتی و یا هواپیمای دارای پرچمشان چه مقصد آن‌ها خاک ایران باشد چه نباشد، را ممنوع نمایند.

از این‌رو در مرحله اول غرب به دنبال سلطه بر ایران در قطعنامه‌ها بوده است. در این قطعنامه‌ها کلمات و جملاتی استفاده شده است که ایدئولوژی سلطه را دنبال می‌کند. واژه‌هایی همچون:

«نگران، نگرانی شدید، تعلیق کامل، امتناع ایران مایه تأسف، ایران شفاف‌سازی کند، ایران اعتماد سازی کند، پایبندی ایران به قطعنامه‌ها، ایران بدون تأخیر اقدام کند، ممانعت کلیه کشورها در همکاری با ایران، ممنوعیت ورود و خروج کلیه افرادی که در فعالیت‌های هسته‌ای ایران مشارکت دارند، عدم آموزش و تدریس ایرانی‌ها در امور هسته‌ای و...»

ب. به نظر می‌رسد که پی‌گیری سیاست سلطه آشکار غرب در قالب صدور قطعنامه و تحریم ایران توفیق چندانی در وادار کردن ایران به تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای (به دلیل شرایط بین‌المللی و همکاری‌های اقتصادی وسیع ایران با کشورها) نداشته است و غرب را وادار کرده است که با تغییر دیپلماسی خود به بازسازی منزلت خود در سطح بین‌الملل بپردازد. غرب به این نتیجه رسیده است که برای موفقیت در پرونده هسته‌ای ایران و حفظ شأن و منزلت بین‌المللی خود باید با تغییر دیپلماسی خود از ایدئولوژی سلطه پنهان در دیپلماسی بازی‌های زبانی استفاده کند و در این بازی‌ها چنانچه بتواند از تئوری بازی‌های مبتنی بر بازی «برد و باخت» در جهت حفظ شأن بین‌المللی خود بهره جوید. در این وضعیت که در واقع آغاز مرحله دوم مذاکرات تلقی می‌گردد می‌توان به وضوح بازی‌های زبانی گروه ۵+۱ را در دیپلماسی بسته‌های تشویقی و گفتمان رسانه‌های با ایران مشاهده کرد.

به اعتقاد نویسنده این مرحله خود از دو مرحله فرعی تشکیل شده است.

۱. مرحله استفاده از بازی زبانی «برد غرب و باخت ایران»

۲. مرحله استفاده از بازی زبانی «برد غرب و برد ایران»

البته هنوز گفتمان غرب با ایران وارد مرحله ۲ نشده است و ادامه مذاکرات هسته‌ای شاید غرب را وادار می‌کند که در دیپلماسی هسته‌ای خود از بازی برد - برد استفاده کند. این بازی را می‌توان به صورت جدولی چنین نمایش داد:

انواع بازی‌های زبانی‌های

ایران	گروه ۵+۱	نوع بازی
باخت (ایران زیر فشار تعلیق کند)	برد (تعلیق ایران)	۱. برد - باخت
برد (عدم تعلیق)	برد (حفظ منزلت بین‌المللی با وجود عدم تعلیق ایران)	۲. برد - برد
باخت (تعلیق با فشار صورت گیرد)	باخت (تعلیق ایران برای غرب هزینه در پی داشته باشد)	۳. باخت - باخت
برد (عدم تعلیق)	باخت (غرب کوتاه بیاید)	۴. باخت - برد

واضح است که بازی‌های زبانی مورد استفاده در بسته تشویقی همان بازی برد و باخت است، زیرا گروه ۵+۱ ابتدا از ایران خواستار تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای به عنوان پیش شرط کمک‌ها و تشویق‌ها است. مشاهده کنید:

«به‌منظور دستیابی به راه‌حلی جامع، درازمدت و مناسب برای مسئله هسته‌ای ایران که با قطعنامه‌های مربوط سازمان ملل متحد سازگار باشد، در تکمیل پیشنهاد ارائه شده به ایران در ژوئن ۲۰۰۶ (تیرماه ۱۳۸۵) که هنوز به قوت خود باقی است، موارد زیر به عنوان سرفصل‌های مذاکره مابین کشورهای چین، فرانسه، آلمان، ایران، روسیه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا به همراه نماینده عالی اتحادیه اروپا، پیشنهاد می‌شود. تا زمانی که ایران به شکل تصدیق‌پذیر تمام فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری خود را زیر «او پی ۱۹ (آ)» و «او پی ۱۵» قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل به حالت تعلیق در آورد.

در راستای این مذاکرات همچنین از ایران انتظار داریم که درخواست‌های شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اجابت کند. در مقابل چین، فرانسه، آلمان، روسیه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و نماینده عالی اتحادیه اروپا اعلام آمادگی می‌کنند:

- حق ایران را برای توسعه پژوهش، تولید و کاربرد انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای مطابق با تعهدات پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را به رسمیت بشناسند.
- به محض ایجاد اطمینان از ماهیت کاملاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران، با آن همان رفتاری را داشته باشند که با برنامه هر کشور فاقد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب (NPT) استفاده از عبارت: «تا زمانی که ایران به شکل تصدیق‌پذیر تمام فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری خود را زیر «او پی ۱۹ (آ)» و «او پی ۱۵» قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل به حالت تعلیق در آورد.» نشان می‌دهد که گروه ۵+۱ همچنان به دنبال بازی برد و باخت است. زیرا همان‌طوری که گفته شد تعلیق فعالیت‌ها برای ایران نقطه باخت و برای غرب نقطه برد تلقی می‌گردد. و غرب اجرای بسته‌های تشویقی را منوط به تعلیق در نظر گرفته است.

ج. در ادامه مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب می‌توان به بازی‌های زبانی غرب در گفتمان رسانه‌ای اشاره کرد. در این گفتمان‌ها غرب تلاش می‌کند که براساس ضرب‌المثل گاهی به میخ و گاهی به نعل، از بازی‌های زبانی به نفع خود بهره جوید و در همین راستا در عین پی‌گیری استفاده از دیپلماسی سلطه در مذاکرات و قطعنامه‌ها، سلطه خود را در بازی‌های زبانی رسانه‌ای پنهان سازد. به نظر می‌رسد که مذاکره‌کنندگان ایرانی باید این مهم را مدنظر قرار دهند. مثال‌های زیر را مشاهده کنید:

۱. بازی برد «غرب» و باخت «ایران»

خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت که با وجود تلاش‌هایی که برای حل مناقشه هسته‌ای ایران صورت می‌گیرد، اتحادیه اروپا در حال آماده شدن برای اعمال تحریم‌های شدیدتر سازمان ملل علیه این کشور است. به گزارش خبرگزاری آلمان، سولانا پس از گفت‌وگو با وزیر امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بروکسل افزود: «اتحادیه اروپا مسئولیت دارد قطعنامه شماره ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل را اجرا کند.»

رایس: ایران باید درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود توضیح دهد.

واشنگتن، ۹ خرداد، خبرگزاری «نووستی» — کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا روز چهارشنبه طی گفت‌وگو با خبرنگاران در راه استکهلم اعلام کرد که ایران بعد از ارائه آخرین گزارش تنظیم شده از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید اطلاعات کاملاً جدیدی درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود به جامعه جهانی ارائه دهد.

دنیای اقتصاد — کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا، که به تازگی به دلیل اعزام ویلیام برنز معاون خود به مذاکرات ژنو از سوی برخی رسانه‌ها و محافل آمریکا مورد ملامت قرار گرفته است، در اولین واکنش رسمی خود به دور جدید مذاکرات ایران و کشورهای ۵+۱ گفت که این مذاکرات جدی نبوده است.

خاویر سولانا «مسئول سیاست خارجه اتحادیه اروپا نسبت به پاسخ ایران نظری محتاطانه دارد در عین حال به زودی به نامه ایران پاسخ خواهد داد. به گزارش سرویس بین‌الملل آفتاب سولانا دوشنبه در جریان اجلاس اتحادیه اروپا و کشورهای عضو ناتو اظهار داشت: «ما هنوز پاسخی ندادیم و با یکدیگر در حال مذاکره‌ایم ولی امیدوارم به زودی پاسخ دهیم.» مسئول بخش سیاست خارجه اتحادیه اروپا درباره پاسخ ایران به بسته مشوق‌های پیشنهادی گفت: «نامه ایران بسیار پیچیده و مشکل است و باید به‌طور کامل تحلیل شود اما زیاد خوش‌بین نیستیم.»

سولانا با اشاره به سازنده بودن مذاکرات تلفنی خود با سعید جلیلی احتمال دیدار با مذاکره‌کننده ارشد انرژی اتمی ایران را دور از ذهن ندانست و اظهار داشت: «امیدوارم بتوانیم مذاکرات با ایران را تا پایان ماه ادامه دهیم، ولی در این مورد نظر کاملاً مثبتی ندارم و این موضوع مشکلی است.»

رایس: ایران فقط تعلیق کند!

به گزارش خبرگزاری فرانسه از اسلو، کاندولیزا رایس که روز پنجشنبه پس از دیدار با همتای نروژی خود با خبرنگاران سخن می‌گفت به مواضع قبلی گروه ۵+۱ و ارائه بسته مشوق‌های سیاسی و اقتصادی به ایران اشاره کرد و افزود که پذیرش توقف غنی‌سازی از

سوی ایران می‌تواند زمینه حضور ایالات متحده در مذاکرات گروه ۵+۱ با ایران را فراهم کند.

رایس با رد تلویحی گمانه‌زنی‌ها در خصوص آمادگی غرب برای دادن حق حفظ بخشی از فرایند غنی‌سازی به ایران گفت: «تنها چیزی که می‌تواند شرایط را برای آغاز دوباره گفت‌وگوها و خاتمه تحریم‌ها از سوی شورای امنیت سازمان ملل فراهم سازد آن است که ایران فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفرآوری خود را به حالت تعلیق درآورد.

واشنگتن تایمز نوشت آمریکا باید علیه سخنانی مقام همراه جورج بوش در سفر به کره جنوبی موضع بگیرد که گفت ایران حق فرآوری و غنی‌سازی اورانیوم را دارد. و افزود این درست، که پیمان منع گسترش چنان حقی را به کشورها داده، اما از کشورها نیز خواسته به فعالیت‌های فریبکارانه و مخفیانه دست نزنند. کاری که ایران طی دو دهه انجام داده است.

سفیر گرگوری شولتی، نماینده ایالات متحده در IAEA گفت: «پرونده هسته‌ای ایران کاملاً باز و مملو از پرسش‌های نگران‌کننده باقی خواهد ماند. دلایل محکمی برای مطمئن شدن به اینکه ایران در حال کار مخفیانه و فریبکارانه برای ساخت بمب هسته‌ای دست کم تا همین اواخر بوده است، وجود دارد.»

کاندالیزا رایس، وزیر امور خارجه گفت: «من به ایرانی‌ها گفته‌ام که هر زمانی که آن‌ها به تنها موردی که کل جامعه جهانی از آن‌ها می‌خواهد به آن عمل کنند، که تعلیق غنی‌سازی و بازپروری توسط آن‌ها است، جامه عمل بپوشانند، ما در هر زمان و هر مکانی می‌توانیم ملاقات کنیم و درباره هر موضوعی گفت‌وگو کنیم. من فکر نمی‌کنم موضوع این باشد که چرا ما نمی‌خواهیم با تهران مذاکره کنیم. به نظر من سؤال این جا است که چرا تهران نمی‌خواهد با ما مذاکره کند.»

کاندالیزا رایس گفت: «در صورتی که ایران ضرب‌الاجل زمانی تعیین شده برای برنامه هسته‌ای را به سخره بگیرد با تحریم‌های شدیدتری مواجه خواهد...»

ب. اخبار رسانه‌ها

۱. نوع بازی زبانی: برد غرب و باخت ایران

آمریکا و اروپا (گروه ۵+۱) — در صورت جواب منفی ایران به بسته پیشنهادی بر شدت تحریم‌ها افزایش می‌یابد (کارگزاران، ۵ مرداد ۱۳۸۷). ما با این گروه موافق و هم‌عقیده هستیم. و راهبرد ۵+۱ این است که همه موافق مذاکره هستیم. مک کورمک (سخنگوی وزارت خارجه آمریکا): کی گفته به ایران ضرب‌الاجل دادیم؟ اولتیماتومی در کار نیست (کیهان، ۱۲ مرداد ۱۳۸۷).

رایس: اگر ایران ظرف دو هفته پاسخ روشنی را به بسته پیشنهادی ارائه ندهند، با تدابیر تنبیهی روبه‌رو می‌شود (همان).

رایس: اگر ایران به داشتن روابط بهتر با آمریکا علاقه‌مند است، باید با پذیرش بسته مشوق‌های پیشنهادی آن را ثابت کند (همان).
وزیر امور خارجه انگلیس: لندن در قبال هسته‌ای ایران رویکرد صد درصد دیپلماتیک دارد. دولت انگلیس تمایلی به استفاده از حمله پیشگیرانه از سوی اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران ندارد (همان).

گاردین: به هر ترتیب بوش و یا دولت بعد از وی باید بپذیرند که «اگر چه مذاکره با ایران می‌تواند دیوانه‌کننده و اعصاب‌خردکن باشد اما حمله به آن برای همه به یک مصیبت عظیم تبدیل خواهد شد» (همشهری، ۲۱ مرداد ۱۳۸۷).

رایس: اگر ایران ظرف دو هفته پاسخ روشنی را به بسته پیشنهادی ارائه ندهند، با تدابیر تنبیهی روبرو می‌شود (کیهان، ۱۲ مرداد ۱۳۸۷).

در جملات فوق از کلماتی استفاده شده است که در بردارنده تئوری بازی‌های «برد غرب و باخت ایران» است. توجه کنید: «تعلیق کلیه فعالیت‌ها، ایران توضیح دهد، تا دوهفته دیگر ایران به بسته پاسخ دهد، ایران در مذاکرات جدی نیست، امیدی به مذاکرات نیست، ایران فقط تعلیق کند، فعالیت‌های مخفیانه و فریب کارانه ایران، جواب منفی ایران بر شدت تحریم‌ها می‌افزاید، ایران پاسخ ندهد تنبیه می‌شود»

در موارد بالا عبارت‌ها و کلماتی می‌بینیم که نشان‌دهنده بازی زبانی غرب با ایران است. در این بازی هر کجا که غرب با عبارات خاص درصدد تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران است، بازی برد خود و باخت ایران را دنبال می‌کند و هر کجا که تعلیق فعالیت‌ها را یک موضوع غیرقابل انجام و با هدف زور و غیره تأثیرگذار بر ایران می‌داند در واقع بازی غیرمحسوس «برد خود و برد ایران» را ملاحظه کنید.

۲. نوع بازی زبانی: برد «غرب» و برد «ایران»

سولانا: مذاکرات سازنده بود هر چند که ایران هنوز پاسخ به بسته مشوق‌های پیشنهادی ۵+۱ نداده است (همشهری، ۳۰ تیر ۱۳۸۷).

کنت پولاک تحلیل‌گر برجسته آمریکایی: واشنگتن به جای ماجراجویی باید به دنبال ایجاد روابط حسنه با تهران باشد (کیهان، ۷ مرداد ۱۳۸۷).

آسوشیتدپرس: نماینده عالی‌رتبه از آمریکا برای نخستین بار رودرروی مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران خواهد نشست و این تغییر شدید در «سیاست آمریکا با هدف واداشتن ایران به پایان دادن به فعالیت‌های هسته‌ای است» (ایران، ۳۰ تیر ۱۳۸۷).

البته در این وضعیت برخی از خبرگزاری‌های وابسته به اسرائیل درصدد استفاده از بازی «باخت غرب و باخت ایران» و یا «باخت غرب و برد ایران» بوده و چنین اذعان می‌کنند که فشارها تأثیری در تعلیق فعالیت‌ها نداشته است و باید از اهرم زور بر علیه ایران استفاده کرد. ملاحظه کنید:

۳. نوع بازی زبانی: باخت غرب و باخت ایران

برخی از رسانه‌های غرب این نوع از گفتمان را ترویج داده‌اند. به نظر می‌رسد که گفتمان باخت طرفین، هنگامی مطرح می‌شود که مذاکرات طرفین به سرانجامی نرسد و غرب به هیچ‌وجه به دنبال این نوع از گفتمان نبوده و ایران نیز غرب را تشویق می‌کند که به این گفتمان دامن نزند و در صورت شکل‌گیری این گفتمان، این غرب است که شکست می‌خورد.

پایگاه خبری اسرائیل نیوز: تهدیدهای غرب به اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه ایران توهمی بیش نیست (همان).

گاردین: به هر ترتیب بوش و یا دولت بعد از وی باید بپذیرند که "اگر چه مذاکره با ایران می‌تواند دیوانه‌کننده و اعصاب‌خردکن باشد اما حمله به آن برای همه به یک مصیبت عظیم تبدیل خواهد شد" (همشهری، ۲۱ مرداد ۱۳۸۷).

۴. نوع بازی زبانی: باخت غرب و برد ایران

البته پر واضح است که غرب از این گفتمان به هیچ‌وجه استفاده نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

مذاکرات هسته‌ای گروه ۵+۱ با ایران به ظاهر، نویددهنده‌ی آغاز فصل نوینی در حل مسالمت‌آمیز مناقشات هسته‌ای از طریق گفت‌وگو و حفظ منافع ملی دو طرف است.

آنچه دو طرف را به میز مذاکره کشانده است، انتخاب دیپلماسی استدلال و تشویق به جای دیپلماسی تنبیه و تهدید است. در این دیپلماسی بازیگران مذاکرات هسته‌ای، تلاش کردند که با بهره‌گیری از بازی‌های زبانی افکار عمومی جهان را به نفع خود جلب نمایند و راهی برای خاتمه این مناقشات با حفظ منافع ملی به صورت موفقیت‌آمیز بیابند. البته در برخی از مقاطع زمانی طرف غربی با بهره‌گیری از نظام رسانه‌ای و تبلیغات بین‌المللی و استفاده از اهرم فشار شورای امنیت سازمان ملل، اقدامات وسیعی را در منروی کردن ایران در جهان و جلب افکار عمومی به‌کار گرفت، اما حضور فعال ایران در صحنه‌های بین‌المللی و اجرای دیپلماسی فعال و تعاملات گسترده ایران با آژانس بین‌المللی هسته‌ای (IAEA) اقدامات فوق‌الذکر را با شکست روبه‌رو ساخت و غرب را وادار کرد که با اجرای آخرین مرحله سیاسی و با کشاندن ایران به

میز مذاکره، دیپلمات‌های برجسته غرب بتوانند با سیاست بازی‌های زبانی، "بازی برد غرب و باخت ایران" را در صحنه بین‌المللی به اجرا بگذارند و ایران را وادار به تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای کنند.

نتایج تحلیل گفتمان مذاکرات و گفتمان‌های رسانه‌ای گروه ۱+۵ و ایران نشان می‌دهد که غرب به دنبال هژمونی خود بر ایران است و اساساً مبنای مذاکره خود را بر تحمیل اراده سیاسی خود با بهره‌گیری از بازی‌های زبانی تهدیدمحور در نظر گرفته است. اما بازی زبانی متأثر از ایدئولوژی سلطه تا آنجایی پیش می‌رود که غرب در این بازی احساس منفعت داشته باشد و چنانچه برای او از نظر منزلت بین‌المللی و هزینه‌های جانبی (مانند جنگ و ضرر اقتصادی) تهدید در پی داشته باشد راهبرد بازی خود را تغییر دهد.

از این‌رو نتایج این بررسی نشان داده است که «اگرچه صدور قطعنامه‌ها در ابتدا بازی برد و باخت و دیپلماسی سلطه آشکار را دنبال می‌کرده است، اما دیپلماسی بسته‌ای گروه ۱+۵ و حضور آمریکا در مذاکرات ژنو در واقع تعدیل دیپلماسی سلطه و روی‌آوری غرب به بازی‌های زبانی با هدف پیگیری دیپلماسی برد و باخت و احیاناً برد با ایران است.

تحلیل گفتمان غرب نشان داده است که در گفتمان مذاکره‌ای خود با ایران اگرچه نتیجه این گفتمان را مثبت می‌دانند، لیکن در گفتمان رسانه‌ای به‌طور غیرمحسوس ایدئولوژی سلطه را مد نظر قرار داده و اذعان می‌دارند که ایران باید به اراده سیاسی غرب احترام بگذارد و در غیر این صورت تنبیه می‌گردد. لیکن به تدریج با آگاهی از نتایج منفی بازی بردباخت با ایران در صدد تغییر راهبرد بازی خود با ایران است.

منابع

- ایگلتون، تری. *درآمدی بر ایدئولوژی*، ترجمه اکبر معصوم‌بیگی، انتشارات آگاه، ۱۳۸۱.
- باومن، زیگموند. *اشارات پست مدرنیته*، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۴.
- تاجیک، محمدرضا. *گفتمان و یادگفتمان و سیاست*، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳.
- رهبری، مهدی. *هرمنوتیک و سیاست*، انتشارات کویر، ۱۳۸۵.
- فرقانی، محمدمهدی. *راه دراز گذار «بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران»*، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۲.
- فرکلاف، نورمن. *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه جمعی از مترجمان، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹.
- کهون، لارنس، *متن‌هایی برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*، ویراستار عبدالکریم رشیدیان، نشر نی، ۱۳۸۲.

ون دایک، تئون‌ای. مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه جمعی از مترجمان، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲.

هریس، وی. زبان، سوسور و ویتگنشتاین، ترجمه دکتر اسماعیل فقیه، نشر مرکز، ۱۳۸۱.
یار محمدی، لطف‌الله. گفتمان شناسی رایج و انتقادی، انتشارات هرمس، ۱۳۸۳.

"Thomas Schelling's (2006) Contributions to Game Theory". *Scandinavian Journal of Economics*, Vol. 108 pp. 213-229, No.

<http://www.tabnak.ir/7127>.

<http://www.tabnak.ir/pages/contact.php>.

<http://www.sharifnews.com/contactus.php9>. 14

<http://www.farsnews.ir>.

<http://dastranj.ir/index.asp>.

<http://www.aftabnews.ir/vsnjeybewq25u.sq.fveufu.wvu.-2.html>.

<http://www.aftab.ir/index.php>.